

ادامه از صفحه اول

تهاتر نفتی؛ مزایا و معایب

با وجود این شرایط و تحولات رو به پیشرفت، کمسیون تلفیق بودجه، نتهتا درصدد لغوی یا اصلاح این تکلیف در لایحه برپنامده بلکه با رافتر گذاشته و علاوه بر تکلیف ۴٫۵ میلیارد یورویی تهاتر نفت در بخش دفاعی، دولت را مجاز کرده که ۵٫۵ میلیارد یورویی دیگر ظرفیت تهاتر نفت برای اجرای و تکمیل طرح‌های عمرانی مختلف اعم از آب، راه، جاده، مناطق آزاد، امور پزشکی و… ایجاد کند به این معنا که دولت مکلف و مجاز است در سال آینده در حدود ۱۰ میلیارد یورو (۱۱٫۲ میلیارد دلار) محموله نفتی خارج از مکانیسم فروش شرکت نفت داشته، بیش از ایران تهاتر نفتی انجام دهد. با فرض نفت ۶۰ دلاری برای هر بشکه، دولت در سال آینده باید در مجموع ۱۸۷ میلیون بشکه نفت به‌صورت تهاتر خارج از سازوکار فروش شرکت ملی نفت ایران و در قالب تحویل محموله‌های نفتی به ارکان‌ها و نهادهای دیگر، عرضه کند که این میزان روزانه حدود ۵۱۰ هزار بشکه نفت (۲۳۰ هزار بشکه برای ردیف تکلیفی و ۲۸۰ هزار بشکه برای ردیف مجاز) می‌شود. اگرچه بر اساس اعلام رئیس کمیسیون تلفیق بودجه، مبنای محاسباتی قیمت نفت در بودجه از ۶۰ دلار در هر بشکه به ۷۰ دلار افزایش یافته که علاوه بر ریسک بالا در تعیین این نرخ با توجه به چشم‌انداز نخبان روشن تحولات اقتصاد جهانی در سال آینده، شاخص‌های محاسباتی بودجه را دچار تغییرات جدی کرده اما کمسیون تلفیق تلاش کرده با این اقدام وابستگی بودجه به نفت را بیشتر کند و این بر خلاف سیاست‌های کلان اقتصادی کشور است. علاوه بر این مبنای فروش نفت در سال آینده را از روزانه یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه افزایش داد. بر این اساس درآمد دولت از فروش نفت با افزایشی ۱۰۰هزارمیلیاردتومانی از ۳۸۱ هزار میلیارد تومان به ۴۸۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است، بنابراین بر اساس سند بودجه مورد نظر کمیسیون تلفیق، در سال آینده دولت با فروش حداقل یکمیلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز با قیمت هر بشکه ۷۰ دلار، ۴۸۴ هزار میلیارد تومان درآمد خواهد داشت. به این میزان باید رقم ۵۱۰ هزار بشکه به‌صورت تهاتر را هم افزود که سرجمع بر اساس مصوبه کمیسیون تلفیق دولت با فروش روزانه حداقل یک میلیون و ۹۱۰ هزار بشکه با نرخ هر بشکه ۷۰ دلار، درآمدی در حدود ۴۹ میلیارد دلار یا هزار و ۱۲۲هزار میلیارد تومان به‌صورت فروش مستقیم و تهاتری برای دولت ایجاد می‌کند. فارغ از این نگاه کلی به وضعیت نفت، آنچه می‌تواند به‌عنوان یک بدعت در لایحه بودجه مورد توجه قرار گیرد، همان تهاتر است که دولت در حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز باید به دستگاه‌ها و نهادهای موضوع جزء، یک و دو بند ی تبصره یک تحویل داده که آن دستگاه‌ها محموله‌های نفتی را فروخته و با نظر سازمان برنامه‌بودجه و سازوکارهای پولی بانک مرکزی در حوزه‌های تعیین‌شده هزینه کنند. تاکنون شرکت ملی نفت ایران متولی اصلی و رسمی فروش نفت بوده است هرچند در مقطعی به‌خصوص در اوایل دهه ۹۰، با هدف دوزدن تحریم‌های نفتی و امکان فروش بیشتر نفت، برخی افراد و نهادها در قامت فروش نفت برآمده‌اما حاشیه‌های زیادی ایجاد کرد که مهم‌ترین آن، پرورنده پاک زنجانی است که همچنان این پرورنده باز است و سرنوشت بیش از سه‌میلیارد یورو بدون درنظرگرفتن زیان ۱۰ساله آن، مشخص نیست. بدعت تهاتر نفت در بودجه امری بسیار پرریسک و اجرای آن سخت و پیچیده است. جدای از ملاحظات مالی، نحوه فروش نفت و میزان آن به تفکیک داخل کشور و همچنین خارج از کشور و مهم‌تر از آن ایجاد یک نابسامانی و رقابت میان دستگاه‌های متصدی فروش نفت، در صورت عدم مدیریت می‌تواند زیان‌های زیادی برای کشور و مهم‌تر از همه شرکت ملی نفت در پی داشته باشد. ملاحظه دولت مبنی بر تخصیص محموله‌های نفتی به وزارت دفاع با توجه به سابقه فعالیت در این حوزه و نظام مدیریتی آن، به شرط تداوم شرایط تحریمی، قابل‌توجه است اما درگیرکردن دستگاه‌های اجرایی در وزارت راه، وزارت صمت، وزارت نیرو و وزارت اقتصاد در موضوع فروش نفت، با توجه به عدم سابقه فعالیت در این زمینه، می‌تواند امری سخت، پیچیده و درعین‌حال پرهزینه باشد. این مسئله زمانی سخت می‌شود که به احتمال زیاد با احیای برجام، زمینه رفع تحریم‌های اقتصادی و نفتی در ماه‌های آینده فراهم می‌شود و شرکت ملی نفت ایران باید با قدرت و به‌صورت متمرکز در صدد احیای بازارها و مشورت‌آزادتر رفته خود در چهار سال گذشته در نتیجه تحریم‌ها باشد. شاید هیچ اولویتی درحال‌حاضر برای اقتصاد و صنعت نفت ایران، مانند احیای جایگاه ایران در بازار جهانی نفت در اسرع وقت و به‌صورت مقتدرانه و متمرکز نباشد. این مصوبه در عمل می‌تواند تمرکز، جدیت و برنامه شرکت ملی نفت ایران را برای بازگشت به بازار نفت تحت تأثیر قرار دهد و به‌نوعی رقیب‌تراشی در داخل و هدرروی انرژی کشور برای به‌دست‌آوردن بازارهای نفت است. در شرایط کنونی همه ظرفیت‌ها و امکانات کشور برای بازگشت به بازار نفت باید در وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران متمرکز باشد و برنامه‌هایی از این دست باید در آینده آن‌هم با برنامه و تدبیر با لحاظ همه سود و زیان به اجرا درآید. تداوم شرایط تحریمی هم می‌تواند توجه مناسبی برای طرح‌هایی مانند تهاتر نفت باشد؛ بنابراین دولت و مجلس باید با دقت و حساسیت بالا نسبت به اجرای این طرح تصمیم بگیرد.

شرق: شاید در بررسی تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران مؤلفه‌های زیادی اثرگذار باشند؛ اما دلار و تغییرات نرخ آن در حداقل نیم‌قرن اخیر یکی از بازیگران اصلی معادلات اقتصادی و در ادامه اجتماعی بوده است. دلار به‌عنوان یکی از ابزارهای اقتصاد آمریکا، عامل اصلی نوسانات قیمت‌ها و تصمیمات بزرگ رهبران جهان بوده است. باوجوداین شاید تأثیری که تاکنون دلار بر جامعه ایران از طریق ساختارها و بنیان‌های اقتصادی داشته، بیش از هر کشوری باشد. دلار در ذهن نسل‌های مختلف ایرانی‌ها یک کابوس و دلهره تمام‌نشدنی است که به واسطه تغییرات گاه‌بگ‌گاه و پیش‌بینی‌ناپذیر آن فقیر و فقیرتر شده‌اند. هیچ‌کدام از سیاست‌های اقتصادی و ارزی دولت‌ها در چندین دهه اخیر نتوانسته در مقابل تغییرات نرخ ارز به‌عنوان موضوعی جهانی دوام و مقاومت داشته‌اند و به‌این‌ترتیب نرخ دلار در هر سال بازی و شرایط مختلفی را برای زندگی مردم ایران رقم زده است. این تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم غذا، مسکن، دارو، تحصیل و سایر نیازهای اصلی شهروندان را هدف گرفته و منجر به حذف بسیاری از آنها از زندگی مردم شده است. بسیاری از این تأثیرات نرخ دلار طی چند دهه اخیر بر جامعه ایران از نگاه اقتصاددانان و تحلیلگران اقتصادی دور نبوده‌اند. آثار مخرب افزایش نرخ دلار که تأثیر مستقیم روی زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم دارد، در هر سال ۱۳۸۴ با افزایش نرخ بنزین جامعه را به ستوه آورده. نمی‌توان منکر آن شد که بنزین بهانه‌ای برای اعتراضات فرودستان در ایران بود. مردم کوچه و بازار با اینکه دلیل علمی آن را نمی‌دانستند؛ اما با هر صد تومانی که روی قیمت دلار می‌رفت، بخشی از آرزوهای‌شان را بریادرفته می‌دیدند. مسئله‌ای که از سال ۱۳۸۴ شروع شد و قیمت دلار را از ۷۰۰ تومان به سه‌هزار تومان رسانید و در سال ۱۳۹۷ با روی‌کارآمدن دونالد ترامپ این افزایش دوباره مردم را به آخر خطر رساند.

نگرانی برای آخرین بر کاه

سعید مدنی، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با «شرق» درباره اینکه نقش نوسانات دلار و ارز در اعتراضات اجتماعی ایران چیست؟ می‌گوید: «به گفته «رانسین»، یک صاحب نظر علوم سیاسی، «اگر مردم هیچ دلیلی برای انتظار یا امید به بیش از آنچه دارند نداشته باشند، نسبت به آنچه دارند کمتر ناراضی می‌شوند یا حتی به آنچه دارند شاکر خواهد بود»؛ اما وعده‌های بی‌ثمر و بی‌بایی و نقاوتی نسبت به

نقض آنها موجب خشم شده است. اکنون همه نگران «آخرین پر کاه» هستند؛ ضربه یا شوکی که موجب عبور تحمل از آستانه می‌شود. در واقع سال‌هاست که احساس محرومیت نسبی در جامعه ایران شایع شده و هر بار به گونه‌ای خشم حاصل از آن بروز و ظهور دارد؛ بنابراین وقوع اعتراض در این مقطع به معنای آسودگی جامعه و به‌ویژه فرودستان پیش از آن نیست. در واقع طی سال‌های اخیر به‌ویژه از اواسط دهه ۱۳۸۰ این سرخوردگی و خشم افزایش یافته است.»

مدنی در ادامه می‌افزاید: «محرومیت نسبی که اختلاف متصور میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی تعریف شده، چنان کلی است که عام‌ترین پیش‌شرط‌های هر اعتراض-خشونت‌آمیز را توضیح می‌دهد. در فرایند اقتصادی-اجتماعی پس از دولت اصلاحات سه الگوی متمایز محرومیت را می‌توان در میان طبقات اجتماعی تشخیص داد:

۱) الگوی محرومیت نزولی که در آن انتظارات ارزشی یک گروه نسبتاً ثابت باقی می‌ماند؛ اما این تصور وجود دارد که توانایی‌های ارزشی رو به کاهش‌اند که این الگو در میان طبقات متوسط بسیار رواج داشته است؛ زیرا آنها چندان به وعده‌های بهبود وضعیت دل خوش نکردند؛ اما در همان حال شاهد بودند که به طور مداوم منابع و امکانات موجود آنها نیز کاهش می‌یابد. در واقع طبقه متوسط در این دوره زمانی پرلوتریزه شد.

۲) الگوی محرومیت ناشی از بلندپروازی یا محرومیت آرزویی که در آن توانایی‌ها نسبتاً ایستا است و انتظارات افزایش می‌یابند و تشدید می‌شوند. این پدیده در آغاز دولت روحانی و پس از برجام و اکنون در دولت رئیسی در میان مردم بسیار شایع شده است. در این مرحله تصور می‌شود با حل مناقشات اتمی راه برای بهبود شرایط هموار خواهد شد؛ اما دولت روحانی‌که دائما وعده افزایش و بهبود استانداردهای زندگی را در آینده نزدیک می‌دهد، نتوانست گام مؤثری بردارد و این ناتوانی موجی از ناامیدی و خشم را به همراه خواهد داشت.

۳) الگوی محرومیت پیش‌رونده که همراه با افزایش شدید انتظارات و کاهش هم‌زمان و شدید توانایی‌هاست. طبقات فرودست شهری و روستاییان اغلب تحت تأثیر این الگو هستند. در واقع سنت «رانسین»، که صاحب نظر علوم سیاسی، «اگر مردم هیچ دلیلی برای انتظار یا امید به بیش از آنچه دارند نداشته باشند، نسبت به آنچه دارند کمتر ناراضی می‌شوند یا حتی به آنچه دارند شاکر خواهد بود»؛ اما وعده‌های بی‌ثمر و بی‌بایی و نقاوتی نسبت به نورا حسینی؛ کمتر از یک ماه از انتخاب علی‌رضا زاکانی به‌عنوان شهردار تهران گذشته بود که او با لحنی گلابه‌آمیز به رسانه‌ها که از او درباره کارزار غیرقانونی‌بودن حکمش سؤال می‌پرسیدند، گفت کسانی که این کارزار را امضا کرده‌اند، اطلاعاتشان ناقص بوده است. او تلاش‌ها برای غیرقانونی‌دانستن حکمش را برخوردهای سیاسی دانست و گفت: نباید با موضوعات مربوط به مردم، سیاسی برخورد کرد. من هم می‌توانستم مواردی را پشت تریبون مطرح کنم که خیلی‌ها خجالت بکشند، اما بنا نیست با مسائل مربوط به شهر و شهروندان سیاسی‌کاری شود. او به دوربین‌ها زل زد و تأکید کرد شهردارشدنش به‌طورکامل قانونی و برداشت حقوقی است.

به گفته زاکانی، مسئولان مربوطه پیرو درخواست وزارت کشور پاسخ دادند که قانونی است، اما باز به این بسنده نشد و از هیئت وزیران سؤال شد و آنها این موضوع را قانونی و مسئولیت این حکم را با وزیر کشور دانستند.

تردید درخصوص قانونی‌بودن و غیرقانونی‌بودن حکم زاکانی از نخستین روزهای انتخاب وی در شورا آغاز شد؛ از همان زمان که او با ۱۸ رای شهردار تهران شد و سه عضوی که به او رای ندادند، درخواست کردند او پرسه‌های قانونی شهردارشدن را طی کند و سپس در این خصوص در صحن شورا رای‌گیری شود.

آن زمان ناصر امانی قیل از گردانندگان کلدان رای‌گیری خطاب به چمران گفت این رای‌گیری قانونی نیست و بهتر است در اولین گام، برخلاف قانون حرکت نکنیم. ناصر امانی و جعفر تشکری‌هاشمی تأکید کردند این قانون‌شکنی هرگز از پیشانی شورا شهر پاک نمی‌شود. همان زمان علی‌رضا زاکانی توضیح داده بود آیین‌نامه‌ای که در سال ۹۸ تنظیم شده و شرایط احراز شهردار در آن ذکر شده، نواقصی دارد. می‌تواند آنکه بخشی از تخصص‌ها در آن نیامده است.

همان زمان برخی حقوق‌دان‌ها درخصوص اینکه زاکانی می‌تواند شهردار باشد یا خیر، اعلام کردند حکم زاکانی در وزارت کشور به‌سادگی صادر خواهد شد؛ زیرا طبق تبصره ماده ۳ شرایط احراز شهرداران، تعیین رشته‌های تحصیلی شهرداری برای شهردارشدن متناسب با درجه شهرداری بر عهده وزیر کشور گذاشته شده است. وزیر کشور نیز بخش‌نامه‌ای را در ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ ابلاغ کرده که رشته‌های مختلفی برای شهرداران ذکر شده که رشته آقای زاکانی در فهرست این مشاغل نیست، اما مطابق آیین‌نامه تعیین این رشته‌ها بر عهده وزیر کشور گذاشته شده و ممکن است وزارت کشور آن را بازنگری و اصلاح کند. در خود این بخش‌نامه ابلاغی، تبصره‌ای ذکر شده که بر اساس آن، تشخیص و تفسیر مشاغل و افزایش آن با حوزه معاونت عمرانی وزارت کشور است؛ بنابراین اصلاح فهرست مشاغل و افزودن شغل زاکانی به آن، کار ساده‌ای است؛ یعنی با معاونت عمرانی وزیر کشور آن را تشخیص می‌دهد یا در نهایت خود وزیر این اصلاح را انجام می‌دهد. اما وزیر کشور تأکید کرد قانون به نفع یک فرد اصلاح نمی‌شود و تلاش شد تأیید صلاحیت آقای از روش‌های دیگر دنبال شود؛ هرچند در گذشته بخش‌نامه وزارت کشور درخصوص صلاحیت شهرداران با نظر شخص وزیر تغییر کرده بود.

در زمان رسانه‌ای‌شدن امضای حکم شهردار تهران از سوی وزیر کشور، مهدی جمالی‌نژاد، معاون عمرانی وزیر کشور، در گفت‌وگویی با اشاره به صدور حکم شهرداری علی‌رضا زاکانی گفته بود: «با وجود صراحت قانون و برداشتی که از عدم مشکل قانونی در این خصوص ارائه شده بود، طبق روال معمول، استفساریه‌ها و استعلام‌های مختلفی نیز از مراجع قانونی ذی‌صلاح انجام دادیم. سازمان امور اداری و استخدامی کشور به‌صراحت در پاسخ به استعلام وزارت کشور، در نامه‌ای رسمی، شرایط آقای زاکانی برای تصدی سمت شهردار تهران را کافی و او را واجد شرایط قانونی لازم برای این جایگاه دانست.»

به گفته معاون عمرانی وزیر، برای اتقان موضوع، وزیر کشور در نامه‌ای خطاب به معاون اول رئیس جمهور از هیئت دولت نیز استفسار کرد که هیئت وزیران در جلسه خود، ضمن بلاشکال‌بودن تصدی پست شهرداری تهران توسط آقای زاکانی، با توجه به هم‌ترازی شهردار

جامعه

نوسانات قیمت دلار و ورشکستگی اقتصادی چه بر سر مردم ایران آورد؟

محرومیت پیش‌رونده



شاخص‌های اساسی اقتصادی یا مشکلات سیاسی داخلی بود؛ بلکه ارتباط زیادی با ابهامات ناشی از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای داشت. حتی اگر دوباره توافق هسته‌ای شکل بگیرد، آنچه نوسانات قیمت دلار بر سر مردم ایران آورد، جبران‌شدنی نیست.

بهمن آرمان، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی، با اشاره به ارزش و نقش تعیین‌کننده دلار در بازارهای جهانی و بین‌المللی، افزود: واقعیت این است که اثرگذاری اقتصاد آمریکا و پول ملی آن آن‌قدر است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. امروز ۲۴ درصد از کل تولید ناخالص در جهان در اختیار آمریکاست و نزدیک‌ترین رقیب یعنی ژاپن و آلمان فاصله زیادی با آن دارند. آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده تکنولوژی در جهان دارای قدرت اقتصادی درخور توجهی است که قطعا روی قدرت سیاسی و پول ملی و جایگاه در سیاست‌گذاری‌ها تأثیر زیادی دارد. او افزود: «نگاهی به ۱۰ قلم کلای اصلی وارداتی در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که این کالاها به‌شدت درگیر موضوع دلار و قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی است. با وجود اینکه جمعیت فعلی ایران حدود ۷۰ میلیون نفر و میزان مهاجرت سالانه حدود ۷۰۰ هزار نفر است، فرارگرفتن یک کشور ۷۰ میلیون نفری در میان پنج کشور بزرگ واردکننده اقلام کشاورزی مانند جو، گندم، ذرت و روغن خام نباتی نگران‌کننده و دارای پیامدهای منفی فراوان است. شاهد هستیم که هر چند وقت یک بار متاثر از شرایط بازارهای جهانی،

نیز در دوره‌های انتخاباتی بر این محور تأکید فراوان داشتند. به‌علاوه ایدئولوژی نظام سیاسی نیز دائما وعده زندگی بهتر به فقرا و محرومان را می‌دهد؛ اما سیاست‌های غلط اقتصادی، فساد و ناکارآمدی روزافزون نتهتا توانایی فرقا را برای بهبود وضع افزایش نداد؛ بلکه هم بر جمعیت آنها افزود و هم از کیفیت زندگی آنها کاست.»به گفته مدنی، هر سه الگوی محرومیت نسبی که عناصر علی یا زمینه‌ساز خشونت سیاسی است، روزها، ماه‌ها و سال‌های زیادی ادامه یافته و بر شدت سرخوردگی و احساس ناگامی طبقات متوسط و فرودست به‌ویژه جوانان لحظه به لحظه افزوده است. درعین‌حال زمینه سیاسی نسبتا منفعل و فقدان نهادهای واسط به‌ویژه احزاب توانا،

سنیدیک‌ها و سازمان‌های سیاسی و صفتی که تا حدی از فشار و شدت این خشم و سرخوردگی می‌کاهد نیز غایب بودند. به‌این‌ترتیب محرومیت پیش‌رونده و محرومیت آرزویی بد گروه تهیدستان شهری و طبقه متوسط را پیوند می‌دهد تا خشم و اعتراض‌شان را نسبت به بنیان سرخوردگی و محرومیت ابراز کنند.

حقوق به ریال، خرج به دلار

اگرچه از ابتدای سال ۲۰۱۸، دولت حسن روحانی اقداماتی‌جدی برای کاهش آسترس در بازارهای مالی و ارزی انجام داد؛ اما ریال، الگوی نزولی و نوسانی از خود نشان داد. علاوه‌براین در این دوره، ریال به کل ارزش خود را در برابر دلار از دست داد. کاهش درخور توجه ارزش ریال در برابر سایر ارزها در سال‌های گذشته نتهتا ناشی از وخامت برخی

دیوان عدالت اداری یکی از مستندات قانونی بودن حکم شهردار تهران را باطل کرد

چالش دوباره در حکم علیرضا زاکانی



کلان‌شهرها با مقامات از سوی هیئت وزیران، تصمیم دراین‌باره را از اختیارات وزیر کشور دانست و در این خصوص نیازی به تغییر آیین‌نامه ندانست و اکنون صدور حکم شهرداران کلان‌شهرهای بالای یک میلیون نفر به پشتوانه قانون و تأیید و مجوز هیئت وزیران انجام شده است و صورت خواهد گرفت. یکی از مراجعی که جمالی‌نژاد درخصوص قانونی‌بودن حکم زاکانی به آن اشاره کرد، نامه شاه‌نظری، رئیس امور مدیریت مشاغل و نظام‌های پرداخت سازمان اداری و استخدامی کشور بود. او در نامه‌ای به رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها بر صلاحیت کامل زاکانی برای تصدی سمت شهرداری تهران تأکید کرد. همان زمان خیرگزای فارس با انتشار این نامه تأکید کرد شهردارشدن زاکانی قانونی است.

در این نامه تصریح شده است: «وفق ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در زمره مدیران سیاسی اطلاق شده‌اند که بدیهی است با توجه به حوزه فعالیت و نقش سیاست‌گذاری، این سمت بالاتر از سطح مدیریت ارشد موضوع دستورالعمل اجرایی نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای (مصوبه شماره ۹۵/۹۵۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۰) می‌باشد.»

نکته‌ای که در این نامه به آن اشاره شده است، مصوبه هیئت وزیران درخصوص هم‌ترازی شهردار تهران با مقامات موضوع بند «ح» تبصره «۲» ماده «۱» قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت است.

بر اساس مصوبه مذکور، شهردار تهران به صورت استثنائی هم‌تراز با «وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، معاونان رئیس‌جمهور، معاونان قوه قضائیه و رئیس کل دیوان محاسبات» است و به تبع آن احراز صلاحیتش از شرایط احراز صلاحیت مدیران حرفه‌ای تبعیت نمی‌کند.

روز گذشته نامه دیوان عدالت اداری درخصوص این نامه منتشر شد که نشان می‌داد این مرجع صلاحیت اعلام چنین اظهارنظری را نداشته است. در این حکم آمده است: «بر اساس این نامه، مکاتبه انجام‌شده خارج از حدود اختیارات قانونی مقام وضع‌کننده است، چراکه براساس تبصره ماده ۱۱۱ قانون استخدام کشوری، رئیس سازمان امور اداری و استخدامی می‌تواند بخشی از وظایف خود را به معاونان خود تفویض کند، این در حالی است که رئیس امور مدیریت مشاغل و نظام‌های پرداخت، معاون سازمان استخدامی نمی‌باشد. همچنین اگر این اظهارنظر ناشی از احکام قانون مدیریت باشد، رفع ابهام در اجرای مفاد قانون مدیریت خدمات کشوری و ایجاد هماهنگی بر عهده شورای توسعه مدیریت است.»

در این حکم، ورودی به قانونی‌بودن و غیرقانونی‌بودن حکم شهردار تهران نشده است، اما به گفته برخی از کارشناسان حقوقی، این نامه می‌تواند روند پیگیری قضائی معترضان به

بحرانی در تأمین روغن، مرغ یا موارد دیگر ایجاد می‌شود که مستقیم زندگی قشر متوسط و فقیر را هدف می‌گیرد. به عبارتی زندگی مردم ایران همواره متأثر از بازارهای مالی خارجی و قیمت دلار بوده و به همین دلیل است که امروز در شعارها و تظاهرات‌های اعتراضی جمله «به ریال حقوق می‌گیریم و به دلار پرداخت می‌کنیم» را زیاد می‌شنویم.»

آرمان با بیان اینکه در اقتصادهای شبیه ایران یکی از مهم‌ترین عوارض و آسیب‌ها دوقطبی‌شدن جامعه و ازبین‌رفتن قشر متوسط است، گفت: «به نظر می‌رسد ایران همان روندی را که کشورهای کمونیستی شرق اروپا دارند، پیدا می‌کند که بر اثر سیاست‌های روسیه نسبت به ایران شکل گرفته است. نمونه این اتفاق را هم می‌توان در افزایش طبقه حقوق‌بگیر ناراضی دید. به‌تاریک‌خبری را در شبکه‌های بین‌المللی دیدم که گفته بود سمساری‌ها اعلام کرده‌اند مردم دیگر توان خرید کالاهای دست دوم را هم ندارند.»

آرمان با اشاره به اقتصاد ایران در قیبل و بعد از انقلاب به دو موضوع جمعیت و تغییرات مهم در کل دنیا اشاره کرد و گفت: «جمعیت ایران در دهه ۵۰ حدود ۳۰ میلیون نفر بود که نیازهای متفاوتی داشت و وابستگی ایران به کالاهای وارداتی نیز به این اندازه نبود و میزان رفاه در کل دنیا نیز به اندازه امروز نبود. ضمن اینکه هم‌زمان با تولید و سازندگی، سرمایه‌گذاری وجود داشت و تا دوران سازندگی این سرمایه‌گذاری ادامه پیدا کرد. طبق آمار در سال ۱۳۵۵ که می‌تواند به‌عنوان سال مبنا قرار گیرد، از هر دلار نفتی ۴۲ سنت صرف سرمایه‌گذاری‌های ماندگار و زیربنایی و پروژه‌هایی نظیر فولاد مبارکه، فولاد خوزستان، مس سرچشمه یا ماشین‌سازی اراک و… می‌شد. این رقم در دوران سازندگی به ۳۸ سنت رسید که تفاوت چندانی با سال ۵۵ نداشت. به همین دلیل بود که آن زمان کشور تبدیل به یک کارگاه سازندگی شده بود و نرخ بی‌کاری در حداقل ممکن بود. بر پایه آمارهای موجود از نیمه‌های دولت دوم اصلاحات تاکنون ایران دارای پایین‌ترین نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است و اگر این شرایط را با امروز مقایسه کنید که حدود سه سال است بودجه عمرانی کشور در حداقل ممکن خود است و اگر همین بورس فعلی با وجود همه اشکالات نبود، همین سرمایه‌گذاری‌های فعلی هم امکان‌پذیر نبود و نرخ بی‌کاری بسیار بالاتر از حد فعلی می‌رفت.»